دریچه

تشریح و تحلیلی بر بزرگ‌ترین مساله تیم اقتصادی دولت تدبیر و امید

به زبان ساده

ضیا، مصباح
دبیر کانون علوم اداری ایران

تندروها اگرچه به حوزه اقتصاد مانند حوزه های فرهنگ یا سیاست نگاه نمی کنند اما بدشان نمی آید که گاهگداری در این حوزه هم دولت را به چالش بکشند. اما چالش های واقعی دولت برای گرفتن بهانه از دست تندروها و ساماندهی به اقتصاد کشور، کدامند؟ در مبحث هدفمندکردن یارانه‌ها اهدافی نظیر:

- عرضه حامل‌های انرژی به قیمت تمام‌شده و قطع سوبسیدهای پرداختی به وسیله دولت از این بابت
- پرداخت تفاوت ریالی دریافتی به نیازمندان و آنان که دچار مشکل می‌شوند.
- پرداخت بخشی از مبالغ دریافتی به تولیدکنندگان که از این طرح متاثر شده‌اند.
- بالابردن تامین اجتماعی، خدمات درمانی، بهداشتی، آموزشی و... از طریق اختصاص بخشی از تفاوت قیمت‌های دریافتی از مصرف‌کنندگان
- صرفه‌جویی در مصرف انرژی
- برقراری سیستم عادلانه از لحاظ کمک به طبقات فرودست و... دیده شده بود

در اجرای این برنامه با هدف‌های تعیین‌شده: نرخ بنزین و مواد سوختی - آب - برق، گاز- نان و افلاکسی دیگر که از طریق دولت با پرداخت سوبسید در اختیار ملت قرار می‌گرفت به‌صورتی که همه می‌دانید، افزایش یافت.

در پی آن به تمامی ایرانی‌ها یعنی به حدود ۸۲میلیون‌نفر (هفت‌میلیون‌نفر بیش از جمعیت کشور) در طبقات و گروه‌های درآمدی مختلف و بر خلاف اهداف تعیین‌شده و صرفا با ناگهانی سیاسی، ماهانه حدود ۴۵هزارتومان به هر نفر طی دو، سه‌سال گذشته پرداخت شد.

به‌دنبال این برنامه قیمت تمامی کالاها و خدمات به چندین‌برابر افزایش یافت که عارف و عامی به چگونگی آن واقف هستند.

اکثریت جامعه معتقدند که این طرح به‌علت نارسایی‌ها و از همه مهم‌تر سرکوبی انگیزه در ارایه کار بهتر به‌دلیل عدم هماهنگی دخل‌وخرج جامعه حقوق‌بگیر که درآمد ثابتی دارند و مستمرا دچار دغدغه معاش هستند، عملی به خطا بوده است.

اکنون نیز قرار است از آغاز سال ۹۳ مرحله دوم این برنامه اجرا شود یعنی مجددا قیمت حامل‌های انرژی و به تبع آن تولیدات داخلی برابر با قیمت تمام‌شده عرضه شود.

دلایل افزایش قیمت‌های تمام‌شده در این زمان:

- کاهش ارزش پول ملی
- افزایش دستمزدها
- کم‌کاری و ناکارآمدی نیروی انسانی در خدمت، به‌دلیل دغدغه معاش و... است

ناگفته نماند همزمان با عدم‌توسعه بهداشت همگانی، گوش‌شدن خدمات پزشکی و حذف تامین آنچه، جامعه از این نیاز اولیه و اساسی دورتر و محروم‌تر شده است.

این برنامه قرار است مجدد تکرار شود، به‌عنوان مثال قیمت بنزین معادل قوت خلیج‌فارس (دم کشتی در آب‌های بین‌المللی) بنا بر گزارش‌های اعلام‌شده از هفت‌هزاربیل به ۲۵هزاربیل (کمتر از یک‌دلار) افزایش یافته بر همین مبنا قیمت هزینه حمل‌ونقلی که روزانه در سطح کشور به دلایل مختلف انجام می‌شود و به سوخت نیاز دارد، افزایش خواهد یافت و کمیت همه انگشتر خواهد شد. (قرار است با شیب ملایم و به‌تدریج باشد).

زمانی که یک کارگر یا تعلیم‌گیر، ۱۸ یا ۲۰درصد به حقوق او اضافه شود و اینکه سبد کالای ماهانه معادل ۷۰هزارتومن به او بدهند به شرحی که مطلقه فرمودید. کاسب و تولیدکنندهاو... که ارایه‌دهنده مستقیم خدمت به حقوق‌بگیران هستند به علت افزایش هزینه‌ها و تصور افزایش درآمد حقوق‌بگیران، تمامی خدمات و متاع مایحتاج روزانه را مجددا گران می‌کنند.

به این ترتیب در پایان سال ۹۳ باید مرحله سوم هدفمندی اجرا شود چون قیمت تمامی خدمات و کالاها بیشتر بیش از امروز خواهد شد و نرخ تمامی خدمات درمانی و آموزشی گران‌تر و جامعه میلیونی حقوق‌بگیر از حداقل‌ها محروم‌تر خواهند شد. (در اینجا به مسأله مسکن و اجاره و خرید وسایل زندگی لازم نیست اشاره کنیم) و دور و تسلسلی که به باطل می‌انجامد، مطلبه گذشته تکرار خواهند شد.

باور کنید تنظیم اقتصادی امورات جامعه از هرلحاظ حقوق‌بگیران تلت دولت‌اند و این افزایش‌ها بر بازده کاری آنان اثر منفی دارد.

حال دستور خاص اقتصاد مقاومتی صادر شده و البته آن بخشی از تاکید کردهاند. تیم اقتصادی و متفکران این مقوله مهم در قوای مجریه و مقننه و تمامی نهادها لازم است برنامه خود را به‌شکلی تنظیم کنند که مشکلات منطقه‌ای و بین‌المللی کشورمان که باعث کاهش ارزش پول ملی و بالارفتن قیمت تمامی حامل‌های انرژی و حوائجی آن شده است مرتفع شود و مسایل حاشیه‌ای بر نیازهای اولیه زندگی مقدم نشمرده نشود و باور کنیم که گرانی و تورم به مصداق «من لا معائی له لا معاد له» سیستم زندگی جامعه را مختل می‌کند و این موضوع تمامی مسایل داخلی و خارجی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

چنانچه این مهم تحقق یابد به دنبال آن توسعه صنعت، اشتغال‌آفرینی، ایجاد انگیزه و ارایه خدمت مطلوب براساس منافع ملی- حاصل می‌شود و پیروزی‌های اخلاقی و اقتصادی محقق می‌شود و حماسه اقتصادی با اقتصاد مقاومتی از حاشیه خارج خواهد شد.

برقراری روابط عادی بین‌المللی و استفاده از نیروی خلاق ایرانی، همچون کشورهای ترکیه در همین نزدیکی‌ها یا مالزی که هم اسلامی‌اند و هم جهان سومی می‌توانند تحولی در تمامی امور مملکت به وجود آورد.

این اشاره لازم است با فرض نسبت حقوق ماهانه یک‌میلیون‌تومان ۱۸درصد یعنی ۱۸۰هزارتومان به مزد ماهانه این جامعه اضافه شده و متقابلا صدرصد به مخارج زندگی‌شان اضافه خواهد شد.

و بالاخره اینکه عرضه خدمات، تولیدات و کالاها به قیمت تمام‌شده در جوامعی منطقی و اصولی است که درآمد حاصل از ذخایر کشور صرف کارهای زیربنایی، بنیادی و سرمایه‌گذاری شده و همزمان حداقل‌های زندگی در شرایط عادی مهیا باشد و عدالت بر همه‌چیز، همه‌کس و همه‌جا مشاهده شود... آیا این توصیف در شرایط امروز قابل روبت است؟

غلامعلی دهقان در گفت‌وگو با «شرق»:

تندروهای غیرقابل اصلاح، منزوی شوند

انتقادات هشت‌سال گذشته و ظهور و بروز جریانی از دل اصولگرایان که مشی آن، دامن نیروهای میانه‌رو راست را هم گرفت، سبب شد تا انشقاقی از میانه‌روهای اصولگرا، جریان موسوم به «میانه» و اصلاح‌طلبان برای برورفت از وضع موجود شکل گیرد. خروجی این انشقاق در انتخابات ۲۴خرداد خود را نشان داد. با این حال و با وجود نوعی همدلسازی میان اکثر نیروهای شناسنامه‌دار کشور در نفی عملکرد هشت‌سال گذشته، تندروها همچنان علاقه‌مند به حاشیه‌سازی و ممانعت از اجرای برنامه‌های دولت یازدهم هستند. غلامعلی دهقان سخنگوی حزب اعتدال و توسعه- حزب نزدیک به حسن روحانی- که این روزها پای ثابت نشست‌ها و مناظره‌های سیاسی است. درباره چرایی‌هایی که تندروها تلاش خواهند کرد در سال آینده برای دولت پدید آورند، دیدگاه‌هایی دارد. وی در گفت‌وگو با «شرق»، یادآور شد که با «ترمش قهرمانانه» در دیپلماسی، «آزادی مسوولانه» در فرهنگ و مطبوعات، «گذشت جوانمردانه» در سیاست داخلی و «ایثار فداکارانه» در بخش اقتصاد برای گذشت از برخی امتیازات، می‌توان از سد تندروها و سازماندهی آنان عبور کرد.

■ سال ۹۳، سال مهمی در برآورد عملکرد و نشان‌دادن هرچه بیشتر قابلیت‌های دولت یازدهم است. به نظر شما با توجه به برخی فضاسازی‌ها پیرامون فعالیت‌های دولت در حوزه‌های مختلف که همچنان از سوی تندروها دنبال می‌شود، در کدام بخش‌ها دولت با چالش رفتارهای این جریان مواجه خواهد بود؟

اگر بخواهیم وضعیت دولت «تدبیر و امید» را در سال آتی مورد پیش‌بینی قرار دهیم بیشتر چالش‌ها را می‌توان در حوزه فرهنگ و نیز در حوزه سیاست داخلی دانست اما این به این معنا نیست که دولت در حوزه سیاست خارجی و اقتصاد با منتقدان جدی و چالش‌های رسانه‌ای و برخی سوءالات از سوی منتقدان خود در مجلس یا حوزه‌های عمومی روبه‌رو نباشد، اما به نظر می‌رسد در حوزه سیاست خارجی و اقتصاد نوعی اجماع برای برورفت از شرایطی که محصول عملکرد دولت نهم و دهم است وجود دارد.

■ این اجماع شامل حامل جریان تندرو هم خواهد شد؟

که ممکن است به خاطر شتاب‌زدگی‌های اقتصادی- که نمونه آن طرح توزیع اولیه سبد کالا مورد سوءاستفاده تندروها قرار گرفت- بروز داده شود بگذریم، در مجموع آنها در حوزه اقتصاد هم چالش جدی نداشته باشند. در اینجا هم با تاکتیک «ایثار فداکارانه» مبنی بر اینکه برخی از حق خود برای دریافت یارانه نقدی مثل کاری که ورزشکاران، هنرمندان و اهل سیاست شروع کرده‌اند بگذرند، می‌توان به اجماع رسید. اکثر شخصیت‌های اقتصادی که در این حوزه اظهارنظر کرده‌اند، بر تاکرآمدی روش پرداخت یارانه نقدی که توسط دولت قبل پایه‌گذاری شد، تاکید دارند و این مزیت دولت روحانی است. اما در دو حوزه سیاست داخلی و فرهنگ به‌خصوص بعد رسانه‌ای به نظر می‌رسد دولت تدبیر و امید با چالش‌های جدی در سال آتی روبه‌رو خواهد بود.

■ تحلیل‌های مختلفی ارایه می‌شود که چرا این دو حوزه و فصل مشترک این دو حوزه یعنی مطبوعات -به‌عنوان رکن چهارم

آنها که درک درست‌تری دارند باید آرام‌آرام این بخش خاص که پای منافعشان وسط است را به انزوا کشانده و اجازه ندهند به‌عنوان وجه غالب جریان اصولگرا، اداره اصولگرایان را در دست بگیرند. اصلاح‌طلبان و اعتدالگرایان، تاکتیک رییس‌جمهور را عملیاتی کنند. تندروها منتظر بهانه هستند از گاه، گوه بسازند و مسایل را بزرگ کرده و به‌خاطر دستمال، قیصریه را به آتش بکشند

دموکراسی- تحت فشار تندروهاست. به هر حال دولت بخشی از موفقیت خود را مدیون رسانه‌های مستقل و اصلاح‌طلب است که پیام رییس‌جمهور را به ایران و جهان رساندند. چرا با وجود نقص‌های بزرگ هشت‌سال گذشته، جریانی که هشت‌سال دولت‌داری کرده و یک «منتقد بی‌عملکرد» به شمار نمی‌رود حاضر نیست اشتباه خود را ببیند؟

بایسد قبول کنیم نقطه قوت جریان اصلاح‌طلب و اعتدال‌گرا، جریان روشنفکری جامعه است و پایگاه این دو جریان طبقه متوسط شهری است و نوعا اقشار فرهیخته دانشگاه، آموزش‌وپرورش و جریاناتی که نگاه مدرن به فرهنگ و دینداری دارند از این دو جریان فکری و سیاسی حمایت می‌کنند و اصحاب مطبوعات هم نوعا از این پایگاه اجتماعی هستند. این به معنای آن نیست که اصولگرایان پایگاهی در رسانه‌ها نداشته باشند بلکه به گواهی تاریخ ۳۵ساله انقلاب، اینچنین بوده که ذکر شد. باید پذیرفت تندروها، فاقد عقبه رسانه‌ای قدرتمند حرفه‌ای و روزآمد هستند. به همین دلیل تلاش می‌کنند در نبود رسانه‌های اینچنینی از طریق توییتر، یوتیوب، بتوانند به اهداف خودشان برسند و سیاست‌های خود را اعمال کنند.

■ بحث بر سر همین است. آنها با رسانه‌ای با بعد فیزیکی رسانه عمومی جرا نگران نقش آفرینی رسانه‌های محدودشده مستقل و نیروهای سیاسی تحول‌خواه و اهالی فرهنگ هستند؟

سوال شما را باید از ابعاد مختلف روانشناسی، جنبه اجتماعی و سیاسی مورد بررسی قرار دارد. از جنبه روانشناسی ثابت شده است وقتی باور نخبگان و توده مردم این باشد که صداوسیما، یک تریبون رسمی است و قرار بر این است صدای برخی جریانات که اتفاقا برای مردم مورد وثوق هستند در آن شنیده نشود، خود به خود این جریانات که خلاف گفتمان صداوسیما عمل می‌کنند و صداها و تفکر دیگری دارند جاذبه پیدا می‌کنند. در مورد ایران هم همیشه طی سه دهه اخیر این روند را شاهد بوده‌ایم. توصیه ما این است که صداوسیما کارکرد فراجناحی خود را فراموش نکند و همان‌طور که در انتخابات برای مشارکت حداکثری از گرایشات مختلف سیاسی در مناظره‌ها و گفت‌وگوها استفاده و اجازه همه را پوشش داد، این روند را محدود نکند و اینگونه نباشد که قبل و بعد از انتخابات، نوعی تفاوت را در خبررسانی صداوسیما و تقریبا اعتدال را در سیستم اطلاع‌رسانی شاهد باشیم.

■ برای چالش‌های تدارک‌دیده‌شده چه باید کرد؟

در سیاست داخلی و فرهنگ- حامیان انشقاق ۲۴خرداد باید تاکتیک‌هایی را مدنظر قرار دهند. در فرهنگ، تاکتیکی که رییس‌جمهور در جمع اصحاب رسانه تحت‌عنوان «آزادی مسوولانه» مطرح کرد می‌تواند سرلوحه اهالی فرهنگ و رسانه قرار گیرد.

■ اما اگر بپذیریم حوزه فرهنگ و بخش‌هایی مانند رسانه، کتاب، تئاتر، موسیقی، فیلم و... برخی گروه‌ها را به‌شدت نگران می‌کند اما مسوولانی که در وزارت ارشاد مشغول فعالیت هستند به بخشی از جریان اصولگرا نزدیک هستند. وزیر و معاونان، سابقه فعالیت در آن جناح را دارند اما میانه‌رو هستند یا تفکر باز. بر این اساس عملکردها در این حوزه نیز در کف مطالبات حامیان انشقاق ۲۴خرداد قرار دارد اما همین حداقل‌ها هم وقتی عملیاتی می‌شوند برخی انتقادات را برمی‌انگیزد در این سو، عقب‌نشینی صورت می‌گیرد. در سیاست داخلی هم اماواگرهای زیادی دیده می‌شود. شما مدیران این بخش‌ها را چقدر در متوقف‌شدن تندروها، موثر می‌دانید؟

جریان تندرو، به‌شدت متصلب عمل می‌کند و انگار در دنیای دیگری زندگی می‌کنند و کمتر انعطافی را نشان می‌دهند. شاید دیدگاه آنان این باشد که اگر انعطاف نشان دهیم باید هرچه بیشتر این اتفاق رخ دهد و معلوم نیست جامعه به چه سمتی می‌رود، اما این دوستان به این نکته هم توجه کنند آن سوی قضیه را هم باید دید. اگر قرار باشد هر نگاه نو و هر نکته‌ای که به گمان آنان خطاست را بزرگ‌نمایی کرده و زمین و آسمان را به هم ببافند و از همچیز سخن بگویند ممکن است در کوتاه‌مدت توفیق‌هایی ببینند، اما در درازمدت اینگونه نیست. به نظر می‌رسد بخش قابل اصلاح آنها نباید از سوی جریان میانه‌رو اطلاع‌طلب مورد طرد قرار بگیرد بلکه بیشتر، ذهنیت و تفکر آنها دچار اصلاح شود و درک درستی از مقتضیات زمان و مکان به آنها داده شود.

■ اما این نگرانی وجود دارد که نوعی تعمد در برخی موضعگیری‌های تندروها وجود داشته باشد و «منافع» مختلف آنان، اینگونه اقتضا کند. پس همه این مسایل را نمی‌توان به درک نادرست از مقتضیات زمان نسبت داد.

بله این سخن درستی است. اخیرا وزیر ارشاد نیز همین نکته را بیان کرد که برخی از این جماعت نیازی به استدلال نمی‌بینند و هر کار کنیم آنها انتقاد می‌کنند. آنها که درک درست‌تری دارند باید آرام‌آرام این بخش خاص که پای منافعشان وسط است را به انزوا کشانده و اجازه ندهند به‌عنوان وجه غالب جریان اصولگرا، اداره اصولگرایان را در دست بگیرند. اصلاح‌طلبان و اعتدالگرایان، تاکتیک رییس‌جمهور را عملیاتی کنند. تندروها منتظر بهانه هستند از گاه، گوه بسازند و مسایل را بزرگ کرده و به‌خاطر دستمال، قیصریه را به آتش بکشند.

عکس: مهدی حسنی، شرق

زاویه سیاسی

چالش تندروها و دولت روحانی

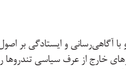

محمدعلی ابطحی
فعال سیاسی

جریان راست و یکی از طیف‌های آن در مجلس علاقه‌مند است رابطه بسیار پرچالشی با دولت یازدهم داشته باشد هرچند عمدتا در دولت، سعی می‌شود این چالش نمود چندانی نداشته باشد. دلیل تداوم رفتارهای چالشی و بی‌منطق با دولت از سوی برخی تندروها، این است که آنان در شرایطی در چهارسال گذشته فعالیت کرده‌اند که هرچه شعارها و مواضع افراطی اتخاذ می‌کردند فضای بهتری برای فعالیت، حضور در انتخابات نهتمی، فعالیت در دولت نهم و... در اختیار آنان قرار می‌گرفت. من اعتقاد دارم برخی از این افراد از حضور فردی همچون آقای جلیلی هم راضی نمی‌کرد. حالا که آقای روحانی آمده و به نوعی پایان جریان‌های افراطی که خود را منتسب به اصولگرایان می‌دانند اعلام شده و آنها امکان عرض تابع تاثیرگذاری ندارند، طبیعتا رابطه پرتنشی ایجاد می‌شود. به نظر می‌رسد مرزبان تشنجی که واقعا برای دولت و نیروهای تحول‌خواه ایجاد شده است به دلیل درایتی که وجود دارد، توسط آنان بروز داده نمی‌شود. با این حال نباید نگران این چالش‌ها بود. به باور نگارنده هر چه به سمت پایان این دوره مجلس برویم تنشی‌ها کاهش خواهد یافت؛ چون فضای رای مردم، فضای انتخابات آتی روحانی است و مردم در جریان همه اتفاقات ماه‌های اخیر هستند. جریانات تندرو با رأت‌خواری بسیار وسیعی که نتیجتا در انتخابات مجلس بلکه در سطوح مختلف در دوران انتخابات روح داشت، موفقیت‌های خودشان را دنبال می‌کردند که آن شرایط بعد از میان رفته و کمرنگ‌تر شده است. در عین حال به‌دلیل نیاز به حمایت دولت در استان‌ها و نیاز برخی نمایندگان فعلی به آرا، مجلس مدت بالقوه‌اند را به سمت متعادل‌تر شدن می‌برد و البته آن بخشی از مجلس که دیگر هیچ امیدی به رای ندارند به سمت افراطی‌شدن و مقننه و تمامی نهادها لازم است برنامه خود را به‌شکلی تنظیم کنند که مشکلات منطقه‌ای و بین‌المللی کشورمان که باعث کاهش ارزش پول ملی و بالارفتن قیمت تمامی حامل‌های انرژی و حوائجی آن شده است مرتفع شود و مسایل حاشیه‌ای بر نیازهای اولیه زندگی مقدم نشمرده نشود و باور کنیم که گرانی و تورم به مصداق «من لا معائی له لا معاد له» سیستم زندگی جامعه را مختل می‌کند و این موضوع تمامی مسایل داخلی و خارجی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

چنانچه این مهم تحقق یابد به دنبال آن توسعه صنعت، اشتغال‌آفرینی، ایجاد انگیزه و ارایه خدمت مطلوب براساس منافع ملی- حاصل می‌شود و پیروزی‌های اخلاقی و اقتصادی محقق می‌شود و حماسه اقتصادی با اقتصاد مقاومتی از حاشیه خارج خواهد شد.

برقراری روابط عادی بین‌المللی و استفاده از نیروی خلاق ایرانی، همچون کشورهای ترکیه در همین نزدیکی‌ها یا مالزی که هم اسلامی‌اند و هم جهان سومی می‌توانند تحولی در تمامی امور مملکت به وجود آورد.

این اشاره لازم است با فرض نسبت حقوق ماهانه یک‌میلیون‌تومان ۱۸درصد یعنی ۱۸۰هزارتومان به مزد ماهانه این جامعه اضافه شده و متقابلا صدرصد به مخارج زندگی‌شان اضافه خواهد شد.

و بالاخره اینکه عرضه خدمات، تولیدات و کالاها به قیمت تمام‌شده در جوامعی منطقی و اصولی است که درآمد حاصل از ذخایر کشور صرف کارهای زیربنایی، بنیادی و سرمایه‌گذاری شده و همزمان حداقل‌های زندگی در شرایط عادی مهیا باشد و عدالت بر همه‌چیز، همه‌کس و همه‌جا مشاهده شود... آیا این توصیف در شرایط امروز قابل روبت است؟

نهایتا به حداقل‌هایی که مورد پذیرش مجلس باشد اکتفا شد. البته این به آن معنا نیست که وزرای خوبی انتخاب نشدند، اما این همه آن چیزی نبود که دولت به دنبال آن بود. همچنین وزرا و کاندیداهای وزارتخانه‌ها در بعضی موارد به این نکته توجه داشت که بتوانند به دست بیاورند از کنار برخی از اصولی که به آنها اعتقاد داشتند گذر کردند. در عین حال باید به این نکته توجه داشت که در سطح کلان، جز آن دسته افرادی که با این نوع اغلاق افراطی، برای رأی دست دموکراسی مفید است. اعتراض برای کنار مفید است ولی عدای هستند که هویتشان در کسوکار جوسازی است و تلاش می‌کنند به این شکل، برخی اقشار را با خود همراه کنند. به هر حال رفتارهای این افراد در دولت هشت‌ساله اصولگرایان، ثبت و ضبط شده است. نوع نظارت آنان - چه در حوزه سیاسی و چه در مجلس- بر سوء عملکرد دولت احمدی‌نژاد، موضوع قابل‌کتمانی نیست. در عین حال اعتقاد نگارنده بر این است که در دوران دولت دهم، چند نفر از دولتی‌ها در مجلس بودند که برخی موضوع را اتخاذ می‌کردند و همین فضا سبب شد اتفاقا مجلس پرتنش‌ترین رابطه را با دولت قبلی داشته باشد. به دلیل اینکه رأی مطهری را بیشترین یاور و دلسوز تولد نیجران‌ها را دوست داشت و با آنها زندگی می‌کرد. وکیل‌الدوله‌ها تعدادشان رتبا نبود اما پررسوصدا بودند. وقتی می‌گوییم وکیل‌الدوله یا وکیل‌الملله باید به مبانی فکری آن فکر کنیم. متاسفانه اصولگراها امتحان بدی پس دادند و از این بود که در دوره‌ای که همه قوا مجلس و دولت و سایر نهادها را در دست داشتند، درست در همان شرایط بیشترین دعواها را با یکدیگر رییس دولت گذشته این دولت کجا آقای جنتی و ناطق‌نوری اولین رقابت جدی را بعد از انقلاب داشتند اما مدت سه‌سالی که دولت آقای خاتمی با مجلس پنجم همکاری داشت، بهترین و آرام‌ترین رابطه بین این دو رقیب شکل گرفت. آقای خاتمی رییس‌جمهور بود و آقای ناطق رییس مجلس. دلیلش آن بود که هر دو با یکدیگر دلسوزانه عمل می‌کردند. درباره مجلس فعلی هم نباید واکنش‌های هیجانی داشت و هیچوقت نباید کوتاه‌مدت به موضوع نگاه کرد. اگر همه مجلس هم از تندروها تشکیل شود، باید بر روش‌های دموکراتیک در تعامل با آن پافشاری کرد. ما باید مسایل را به صورت درازمدت ببینیم. همچنان که در دوره آقای خاتمی همین اتفاق افتاد. اصلاحات یک انتقالاتی در بدنه حق خود برای دریافت یارانه نقدی مثل کاری که ورزشکاران، هنرمندان و اهل سیاست شروع کرده‌اند بگذرند، می‌توان به اجماع رسید. اکثر شخصیت‌های اقتصادی که در این حوزه اظهارنظر کرده‌اند، بر تاکرآمدی روش پرداخت یارانه نقدی که توسط دولت قبل پایه‌گذاری شد، تاکید دارند و این مزیت دولت روحانی است. اما در دو حوزه سیاست داخلی و فرهنگ به‌خصوص بعد رسانه‌ای به نظر می‌رسد دولت تدبیر و امید با چالش‌های جدی در سال آتی روبه‌رو خواهد بود.

عکس: حمید فروتن

زاویه اجتماعی

دولت و جامعه ایران

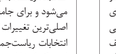

تقی آزادارمکی
جامعه‌شناس

سوالی که کمتر به آن توجه کرده‌ایم را اینگونه طرح می‌کنم: «ایران سال ۱۳۹۲ را بلحاظ اجتماعی چه می‌توان نامید؟» با نگاه مقایسه‌ای، آیا سال ۹۲ به لحاظ اجتماعی مانند سال گذشته، یعنی سال ۹۱ بود یا اینکه این دو سال متفاوت هستند؟ اگر متفاوت بودند، چه عواملی در این زمینه موثر بوده است؟ به نظر می‌آید بعضی شرایط هستند. این را در بازنگری به آنها می‌توان بودهاند. شرایط و حوادث و وقایع پیش‌آمده نشان از این دارد که سال ۹۲ متفاوت از سال‌های گذشته بوده است. به طور خاص انتخابات ریاست‌جمهوری و تغییر آرایش نیروهای سیاسی و اجتماعی در این سال، نشان از توضیحات و دلیلی بر طهور و حدوث تمام پدیده‌ها در عالم اجتماع است. اگر حادثه انتخابات این دوره نبود شاید بحث در مورد تغییر اجتماعی بی‌معنی بود. همان‌طور که هرچه جامعه‌شناسان ایرانی در طول چندین سال گذشته می‌گفتند که جامعه در معرض تغییر است و خطاق اعتماد اجتماعی دچار بحران شده است. کسی به آن گوش نمی‌داد. جامعه‌شناسی دریافت جامعه‌شناسان را که با مطالعه و تحقیق و تامل به دست آمده بود، سیاسی می‌دانستند. قبل‌تر هم این موضوع فعلی جامعه را سرلیست‌ریست است. موضوع، حل‌وفصل مشکلات به شکل درست است. پس از آن حتی اگر موضوع انتخابات مجلس هم مطرح شود، اصل انتخابات و پیدا کردن راهکارهایی برای شرکت در انتخابات، انسجام درونی و مدیریت انتخابات دارای اهمیت است. مشکل مهمی که اصلاح‌طلبان دارند، آوردن مخاطبان پای صندوق‌های رای است. در همین انتخابات ریاست‌جمهوری هم مشارکت هم همین بود. آوردن آنها پای صندوق رای برای اصلاح‌طلبان کار ساده‌ای نیست. برای اصولگرایان البته ساده است چون انسجامات تشکیلاتی در آنان وجود دارد و بحث‌های عقیدتی می‌تواند خلقه وصلشان باشد. اصولگراها در موضع اشخاص هستند بنابراین بهتر است بگوییم پرداختن زودهنگام به مباحث انتخابات آینده پیش از تلاش برای بسامان کردن امور کشور در این مرحله اشتباه است. چون ناخودآگاه هواداران آقای عارف و ناطق را که می‌توانند در یک طرف باشند و به نفعه تقسیم می‌کنند. سرلیستی که به معنای ریاست مجلس که نیست. به هر حال چالش‌های که این روزها برای دولت در حوزه‌های مختلف پدید آمده و در سال آینده نیز رگه‌هایی از آن دیده خواهد شد، نوع برخوردی که نمایندگان مجلس در ماجرای رای‌اعتماد به وزرا داشتند و مسایلی از این‌دست می‌تواند در چهت‌دهی به رای مردم و دادن انگیزه به آنها برای انتخابات مجلس آینده تاثیرگذار باشد. از آنجا که قهرمان موسمی معمولا محصول عصبانی‌کردن اصلاح‌طلبان در آستانه انتخابات است، این نکته مدنظر همه جریان‌های تحول‌خواه است که اگر مردم شرکت حداکثری داشته باشند، پیروز انتخابات، اصلاحات است. باید با دادن آگاهی درست در مورد عملکرد دولت و اصلاح‌طلبان و عدم‌ارگذاری چالش‌های تندروها بر سیری که آغاز شده است، مانع از تحقق هدف افراطیون که مایوس‌کردن مردم از روند اصلاح و توسعه و جامعه‌ایران است. نمی‌گویم عملکرد دولت در این زمینه موثر نیست. ولی اصل نیست. دولت نهم و دهم در بعضی از برنامه‌هایش هم شکست خورد اما این تنها علت (علل) وقوع این نوع چرخش سیاسی نبود. ما برای ساده‌کردن این نوع حوادث به سهم امور سیاسی خیلی توجه داریم. این نوع نگاه یعنی تاکید ناخودآگاه بر حوادث سیاسی در جریان‌های اجتماعی برای بسیاری از گروه‌های سیاسی خوب است چون نقش خودشان را که رقیب موفق یا شکست‌خورده‌اند، نادیده می‌کنند و در نتیجه فهم جریان‌های اجتماعی و سیاسی ناتمام می‌ماند. ناتمام‌ماندن فهم جریان‌های اجتماعی برای گروه‌های سیاسی مفید است چون آنها همیشه مهم می‌شوند و مهم هم می‌توانند باقی بمانند. حامل این نوع درک و تعبیر (سیاسی دیدن امور) است که ایران دوگانه می‌ماند؛ دوگانه موافق و مخالف، عدای موافق و عدای مخالف وقایع و جریان‌ها. ادامه این سیاست و نگاه است که زمینه و فضای بازتولید دوگانگی سیاسی در ایران شده است. بدلیل پیگیری توضیحات و دلیلی بر طهور و حدوث تمام پدیده‌ها در عالم اجتماع است. اگر حادثه انتخابات این دوره نبود شاید بحث در مورد تغییر اجتماعی بی‌معنی بود. همان‌طور که هرچه جامعه‌شناسان ایرانی در طول چندین سال گذشته می‌گفتند که جامعه در معرض تغییر است و خطاق اعتماد اجتماعی دچار بحران شده است. کسی به آن گوش نمی‌داد. جامعه‌شناسی دریافت جامعه‌شناسان را که با مطالعه و تحقیق و تامل به دست آمده بود، سیاسی می‌دانستند. قبل‌تر هم این موضوع فعلی جامعه را سرلیست‌ریست است. موضوع، حل‌وفصل مشکلات به شکل درست است. پس از آن حتی اگر موضوع انتخابات مجلس هم مطرح شود، اصل انتخابات و پیدا کردن راهکارهایی برای شرکت در انتخابات، انسجام درونی و مدیریت انتخابات دارای اهمیت است. مشکل مهمی که اصلاح‌طلبان دارند، آوردن مخاطبان پای صندوق‌های رای است. در همین انتخابات ریاست‌جمهوری هم مشارکت هم همین بود. آوردن آنها پای صندوق رای برای اصلاح‌طلبان کار ساده‌ای نیست. برای اصولگرایان البته ساده است چون انسجامات تشکیلاتی در آنان وجود دارد و بحث‌های عقیدتی می‌تواند خلقه وصلشان باشد. اصولگراها در موضع اشخاص هستند بنابراین بهتر است بگوییم پرداختن زودهنگام به مباحث انتخابات آینده پیش از تلاش برای بسامان کردن امور کشور در این مرحله اشتباه است. چون ناخودآگاه هواداران آقای عارف و ناطق را که می‌توانند در یک طرف باشند و به نفعه تقسیم می‌کنند. سرلیستی که به معنای ریاست مجلس که نیست. به هر حال چالش‌های که این روزها برای دولت در حوزه‌های مختلف پدید آمده و در سال آینده نیز رگه‌هایی از آن دیده خواهد شد، نوع برخوردی که نمایندگان مجلس در ماجرای رای‌اعتماد به وزرا داشتند و مسایلی از این‌دست می‌تواند در چهت‌دهی به رای مردم و دادن انگیزه به آنها برای انتخابات مجلس آینده تاثیرگذار باشد. از آنجا که قهرمان موسمی معمولا محصول عصبانی‌کردن اصلاح‌طلبان در آستانه انتخابات است، این نکته مدنظر همه جریان‌های تحول‌خواه است که اگر مردم شرکت حداکثری داشته باشند، پیروز انتخابات، اصلاحات است. باید با دادن آگاهی درست در مورد عملکرد دولت و اصلاح‌طلبان و عدم‌ارگذاری چالش‌های تندروها بر سیری که آغاز شده است، مانع از تحقق هدف افراطیون که مایوس‌کردن مردم از روند اصلاح و توسعه و جامعه‌ایران است.

در نیروها و نیازها و آرزوها یاد می‌کنم. تغییر ایده‌ها و آرمان‌ها و انتظارات و نیروهای اجتماعی در ایران به‌وقوع پیوسته است. به‌طور خاص می‌توان از «همیاری‌فقن زندگی» تا «برابری» یا «رشد و توسعه» به‌عنوان ایده و آرزوی اصلی خیلی جوانان نام برد. ایران در شرایط فعلی به فکر زندگی بهتر هستند. آنها کمتر به فکر دستیابی به توسعه از بالا یا برابری تعریف‌شده هستند. آنها زندگی‌کردن را در جریان توسعه و برابری‌خواهی و عدالت‌طلبی و دموکراسی‌خواهی جست‌وجو می‌کنند. وقتی در جامعه زندگی اصل می‌شود در نظام ارزش‌ها و انتظارات هم تغییراتی صورت گرفته است. از اصلی‌ترین تغییرات صورت‌گرفته به لحاظ ارزشی، ظهور و توسعه فردگرایی به‌جای جمع‌گرایی است. مردم ایران در کل بیشتر ایران دوگانه می‌مانند؛ دوگانه موافق و مخالف، عدای موافق و عدای مخالف وقایع و جریان‌ها. ادامه این سیاست و نگاه است که زمینه و فضای بازتولید دوگانگی سیاسی در ایران شده است. بدلیل پیگیری توضیحات و دلیلی بر طهور و حدوث تمام پدیده‌ها در عالم اجتماع است. اگر حادثه انتخابات این دوره نبود شاید بحث در مورد تغییر اجتماعی بی‌معنی بود. همان‌طور که هرچه جامعه‌شناسان ایرانی در طول چندین سال گذشته می‌گفتند که جامعه در معرض تغییر است و خطاق اعتماد اجتماعی دچار بحران شده است. کسی به آن گوش نمی‌داد. جامعه‌شناسی دریافت جامعه‌شناسان را که با مطالعه و تحقیق و تامل به دست آمده بود، سیاسی می‌دانستند. قبل‌تر هم این موضوع فعلی جامعه را سرلیست‌ریست است. موضوع، حل‌وفصل مشکلات به شکل درست است. پس از آن حتی اگر موضوع انتخابات مجلس هم مطرح شود، اصل انتخابات و پیدا کردن راهکارهایی برای شرکت در انتخابات، انسجام درونی و مدیریت انتخابات دارای اهمیت است. مشکل مهمی که اصلاح‌طلبان دارند، آوردن مخاطبان پای صندوق‌های رای است. در همین انتخابات ریاست‌جمهوری هم مشارکت هم همین بود.